



Analysis of Ayatollah Khomeini's Speech Acts in His 3 June 1963 Speech

Ali Bagheri Dolatabadi¹ 

1. Professor in International Relations, Department of Political Sciences, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasuj, Iran. abagheri@yu.ac.ir

Abstract

One of the most significant speeches delivered by Imam Khomeini during the events leading up to the Islamic Revolution is his historic address on 3 June 1963. The central question of this study is: based on John Searle's speech act theory, what types of speech acts did Imam Khomeini employ in his 3 June 1963 speech, and what conclusions can be drawn from analyzing their frequency? This research was conducted using a descriptive analytical approach and a mixed (quantitative–qualitative) method. The data were collected through library and documentary research. The highest frequency belonged to assertive acts (61.11%), while no declarative acts were identified in the text. Imam Khomeini's directive speech acts (20.37%) were predominantly direct speech acts expressed through positive and negative imperative sentences, ranging from strong to mild forms. The assertive and expressive acts (16.66%) were accompanied by various rhetorical and literary devices—such as repetition, brevity, and the use of thirdperson pronouns—to enhance their persuasive impact. The findings indicate that, given the predominance of assertive acts in Imam Khomeini's speech, he sought, first, to explain the country's situation and the hidden motives behind the Shah's decisions in light of major events since 1961, particularly the White Revolution referendum of 26 January 1963; second, to clarify the Shah's relations with Israel and the United States; and third, while calling on the people to remain vigilant and to protest, to warn the Shah about the consequences of his decisions.

Article Info

Article type: Research

Received: December 12, 2025

Received in revised from:

December 7, 2025

Accepted: February 23, 2026

Published online: June 20, 2026

Keywords:

Imam Khomeini; 15 Khordad Uprising; Speech Acts; John Searle; 3 June 1963 Speech.

•Corresponding author:

Yasuj, Iran. abagheri@yu.ac.ir



تحلیل کنش های گفتاری امام خمینی در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲

علی باقری دولت آبادی^۱

۱. استاد روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	یکی از مهم ترین سخنرانی های امام خمینی در طول حوادث منتهی به انقلاب اسلامی، سخنرانی تاریخی ایشان در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ است. سؤال اصلی پژوهش این است که بر مبنای الگوی کنش گفتار جان سرل، امام در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ از چه نوع کنش های گفتاری استفاده کردند؟ و از تحلیل فراوانی این کنش ها چه نتایج حاصل می شود؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش ترکیبی (کمی-کیفی) انجام شده است. داده ها به دو روش کتابخانه ای و اسنادی گردآوری شده اند. بیشترین کنش گفتاری، مربوط به کنش اظهارهای (۶۱/۱۱ درصد) بود و هیچ کنش اعلانی در متن شناسایی نشد. کنش های کلامی امام خمینی در بعد ترغیبی (۲۰/۳۷ درصد) بیشتر از نوع کنش گفتاری مستقیم و جملات امری مثبت و منفی بود که طیفی از شدید تا ملایم را شامل می گردید. کنش های اظهارهای و عاطفی (۱۶/۶۶ درصد) برای تأثیرگذاری بیشتر با صنایع ادبی و بلاغی مختلف از جمله تکرار، ایجاز، استفاده از ضمیر سوم شخص و... توأم گردیده بودند. نتایج پژوهش بیانگر این است که با توجه به فراوانی کنش اظهارهای بین کنش های گفتاری امام خمینی ایشان درصدد بودند تا با توجه به حوادث مهم پیش آمده از سال ۱۳۴۰ به بعد و به طور خاص برگزاری رفراندوم انقلاب سفید در ۶ بهمن ۱۳۴۱، اولاً به تبیین شرایط کشور و دلایل پنهان تصمیم شاه بپردازند؛ ثانیاً ارتباط شاه با اسرائیل و آمریکا را تشریح سازند و ثالثاً ضمن دعوت مردم به هوشیاری و ضرورت اعتراض، هشدارهای لازم را به شاه در خصوص عواقب تصمیماتش بدهند.
کلیدواژه ها: امام خمینی، قیام ۱۵ خرداد، کنش های گفتاری، جان سرل، سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲.	
* نویسنده مسئول: abagheri@yu.ac.ir	
	

استناد: باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۵). تحلیل کنش های گفتاری امام خمینی در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲. دوفصلنامه

تاریخ نامه انقلاب، ۸ (۱)، ۳۲-۱. <https://doi.org/10.22034/te.2026.565782.1290>

مقدمه

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تقویم تاریخ معاصر ایران، نه صرفاً به‌عنوان یک اعتراض گذرا، بلکه به‌مثابه منشأ تحولی بزرگ و نقطه عطفی تعیین‌کننده جلوه می‌کند. این رویداد سترگ، حلقه اتصال مبارزات پراکنده پیشین به نهضتی منسجم، آگاهانه و مردمی تحت رهبری یک عالم دینی بود. این رخداد در فضای خفقان‌آور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در شرایطی شکل گرفت که حکومت پهلوی در تلاش بود خود را مترقی و مصلح جلوه دهد؛ اما آنچه نادیده گرفته شده بود، شکل‌گیری یک گسست ساختاری میان حکومت پهلوی و بخش‌های گسترده‌ای از جامعه ایران بود و اعتراض به «انقلاب سفید» نخستین نشانه‌های این گسست را آشکار ساخت.

تحولات دهه ۴۰، اگرچه با مدرنیزاسیون شتابان اقتصادی همراه بود، اما هم‌زمان به حاشیه‌نشینی نهادهای سنتی و تعمیق شکاف میان دولت و جامعه انجامید. از این رو، به‌سرعت دو جریان در برابر سیاست‌های شاه به اعتراض برخاستند. گروه نخست را نهضت آزادی و جبهه ملی هدایت می‌کردند که نسبت به فضای سیاسی حاکم بر ایران، تحکیم حاکمیت فردی و بی‌اعتبار شدن قانون و نظام حقوقی کشور معترض بودند. اعضای برجسته این جریان، از جمله سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان و یدالله سبحانی، پس از صدور اعلامیه «ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ» بازداشت و به زندان محکوم شدند. گروه دوم را روحانیت و در رأس آن امام خمینی تشکیل می‌دادند که با همراهی بازار و توده‌های مردم به میدان آمدند (کجوری گشنیانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷). روحانیت و در رأس آن امام خمینی به‌درستی دریافته‌اند که این طرح‌ها نه تنها مشکلات مردم را حل نمی‌کند، بلکه در جهت تثبیت سلطه سیاسی و فرهنگی غرب و استحاله هویت اسلامی ایران عمل می‌کند.

یکی از سخنرانی‌های امام که جرقه اولیه انقلاب اسلامی را زد و منجر به تحولات سیاسی اجتماعی عمیق در جامعه ایران گردید سخنرانی تاریخی ایشان در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ است. در این سخنرانی امام حکومت پهلوی را به دستگاه بنی‌امیه تشبیه کرد و ضمن نصیحت به شاه، او را به عبرت گرفتن از سرانجام پدرش فراخواند. به دنبال این سخنرانی رژیم امام را دستگیر و او را به تهران منتقل کرد. با انتشار خبر بازداشت امام،

بازار تهران تعطیل شد و مردم در تهران، قم، اراک، مشهد و برخی شهرهای دیگر به خیابان‌ها ریختند و قیام ۱۵ خرداد شکل گرفت. واکنش حکومت به این اعتراضات سرکوب و کشتار معترضان بود. در نگاه اول، به نظر می‌رسید که قیام ۱۵ خرداد با خشونت سرکوب شده است، اما این قیام در حقیقت تولد دوباره ملت ایران برای پیگیری اعتراضات خود علیه دستگاه حاکمیت بود؛ بنابراین قیام ۱۵ خرداد سرآغاز حرکتی گردید که ۱۵ سال بعد، با وقوع انقلاب اسلامی به ثمر نشست. در بیانات و پیام‌های امام ۵۸ بار از قیام ۱۵ خرداد یاد شده و روز ۱۵ خرداد از سوی ایشان، برای همیشه، عزای عمومی اعلام گردیده است. ایشان در طول حیات خود ۲۱ مورد از واژه «نهضت ۱۵ خرداد»، ۱۹ مورد از عبارت «قیام ۱۵ خرداد» و ۱۸ مورد اصطلاح «۱۵ خرداد» استفاده کردند که بیانگر میزان اهمیت این روز تاریخی در اندیشه سیاسی امام است (خلجی، ۱۳۸۱، ص. ۲). اهمیت و تأثیرگذاری سخنرانی امام خمینی بر رخداد‌های سیاسی آتی ایران ازجمله مواردی است که ضرورت پژوهش درباره آن را برجسته می‌سازد. به همین خاطر هدف پژوهش حاضر بررسی محتوای زبانی این سخنرانی از منظر نظریه کنش گفتار جان سرل^۱ است. سؤال اصلی پژوهش این است که بر مبنای الگوی کنش گفتار جان سرل، امام خمینی در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ از چه نوع کنش‌های گفتاری استفاده کردند؟ و از تحلیل فراوانی این کنش‌ها چه نتایجی حاصل می‌شود؟ فرضیه پژوهش این است که امام از هر پنج نوع کنش گفتاری استفاده نموده و با توجه به ماهیت تبیینی سخنرانی ایشان، کنش گفتار اظهاری در این کنش‌های کلامی غالب بوده است.

۱. پیشینه پژوهش

نظریه کنش گفتار در زمره نظریه‌هایی است که طی یک دهه اخیر بیشترین اقبال به آن برای تحلیل بیانات شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی در ایران صورت گرفته است. باوجود این اقبال تعداد پژوهش‌های انجام شده بر اساس این نظریه درباره بیانات

امام خمینی بسیار اندک است. محمدی و غفرانی (۱۴۰۲) «تحلیل کنش‌های گفتاری استنادات قرآنی امام خمینی» (۱۴۰۱)، توبه‌یانی و همکاران «تحلیل کنش‌های کلامی وصیت‌نامه امام خمینی» (۱۳۹۸)، مجاهدزاده و همکاران (۱۴۰۲) «کنش‌های گفتاری امام خمینی در خصوص مسئله فلسطین» (۱۴۰۲)، پورسعید «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی» (۱۳۸۹) و باقری دولت‌آبادی «تحلیل کنش‌های گفتاری آیت‌الله خامنه‌ای پس از عملیات طوفان الاقصی بر اساس نظریه جان سرل» (۱۴۰۴) را انجام داده‌اند. مرور آثار فوق نشان می‌دهد مقاله پیش رو اولین پژوهشی است که به صورت متمرکز و مطالعه موردی، سخنرانی امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ را بر اساس نظریه جان سرل تحلیل می‌کند.

۲. نظریه کنش گفتاری جان سرل

نظریه کنش گفتاری را نخستین بار، جان آستین فیلسوف تحلیلی و استاد کرسی فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد و سپس شاگردش جان سرل عرضه کرد و در واقع نظریه‌ای است درباره تحلیل و طبقه‌بندی و تبیین ساختار منطقی افعال گفتاری. آستین در کتاب خود با عنوان چگونه با واژگان کار انجام دهیم؟ با به کارگیری روش کاربردگرایانه به زبان اعلام کرد که اولاً، جملات خبری تنها جملات معنی‌دار زبان نیستند و ثانیاً، تعیین ارزش صدق و کذب همه جملات امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قصد گوینده از بیان جملات کنشی توصیف خود عمل است نه توصیف یک وضع یا حالت خاص. در نظریه جان آستین معنی هر جمله دارای سه بخش است: کنش بیانی^۱، کنش غیربیانی^۲ (کنش منظوری) و کنش پس‌بیانی^۳ (کنش تأثیری). کنش بیانی به معنای تحت‌اللفظی واژه‌های موجود در جمله گفته می‌شود. کنش غیربیانی به نیت و قصد گوینده از بیان آن جمله که به طور صریح و آشکار در جمله بیان نشده است مربوط است و کنش پس‌بیانی (کنش تأثیری)

1. locutionary act

2. Illocutionary act

3. Perlocutionary act

به تأثیر آن جمله بر روی مخاطب اشاره دارد (باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۴، ص. ۷۱). هدف این نظریه «ارائه تحلیل جامع از نحوه ارتباط زبان با عالم خارج است و در نهایت به این پرسش اساسی در حوزه فلسفه زبان پاسخ می‌گوید که چگونه می‌توان از یک سلسله پدیده‌های طبیعی نه چندان پیچیده، همچون خروج اصوات از دهان یا ایجاد نشانه‌ها بر کاغذ، به یک سلسله اوصاف معناشناختی عجیب همچون معناداری، بی‌معنایی، صدق، حکایت، حمل و ارتباط با عالم خارج دست یافت» (عبداللهی، ۱۳۸۴، ص. ۹۱).

مدعای نظریه افعال گفتاری این است که تحلیل ارتباط زبانی بدون توجه به اینکه سخن گفتن نوعی فعل قاعده‌مند است، ممکن نیست. سرل نکته مذکور را چنین توضیح داده است: «واحد ارتباط زبانی آن گونه که عموماً فرض شده، نشانه، واژه، یا جمله یا حتی مصداق نشانه، واژه یا جمله نیست، بلکه ایجاد یا صدور نشانه یا واژه یا جمله در انجام فعل گفتاری است. تلقی یک مصداق به‌عنوان یک پیام، تلقی آن به‌عنوان مصداقی ایجاد شده یا صدور یافته است. به بیان دقیق‌تر، ایجاد یا صدور مصداق جمله تحت شرایط خاص یک فعل گفتاری است و افعال گفتاری واحدهای بنیادین یا کوچک‌ترین واحدهای ارتباط زبانی‌اند. پایه تحلیل در نظریه افعال گفتاری، فعل نهفته در سخن است و مراد از آن، فعلی است که در ضمن و در حین استعمال الفاظ صورت می‌گیرد» (عابدینی، ۱۳۹۹، ص. ۴۹). در حقیقت ایده اصلی در نظریه کنش گفتاری جان سرل، فعل مضمون در سخن یا همان معنای ضمنی است که دستیابی به آن از طریق بافت امکان‌پذیر است؛ بنابراین بافت، یکی از گزاره‌های تأثیرگذار برای دستیابی به فعل مضمون در سخن است. «بافت موقعیت می‌تواند شرایطی را پدید آورد که مفهوم یک جمله جدا از معنی صریح خود معنای ضمنی بیابد و این معنی در آن بافت قابل درک گردد» (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۱).

از نظر نشانه‌شناسان، نظریه کنش گفتاری جان سرل از بارزترین رویکردهای کاربردشناسی است که در آن اهتمام به بافت و عناصر مرتبط به آن، ظهور بیشتری نسبت به سایر نظریه‌ها دارد؛ بنابراین در نظریه کنش گفتاری سرل، معنا به هنگام کاربرد و در ارتباط با جهان خارج و بافت و موقعیت به‌عنوان دو شرط اصلی در دستیابی به معنای ژرف ساخت، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آنچه در خصوص طبقه‌بندی افعال زبانی مهم

است، افعال مضمون در سخن است (سرل، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۰). به نظر جان سرل یک گوینده با اظهار جمله‌ای که بیان می‌کند باعث شکل‌گیری پنج نوع کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی می‌گردد که به شرح ذیل بیان می‌شوند.

کنش اظهاری^۱: در این کنش گفتارها، گوینده، عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۱). توصیف حالت یا وقایعی است که گوینده باور خود را درباره درستی یا نادرستی آن بیان می‌کند (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۸۷).

کنش تحریکی یا ترغیبی^۲: هدف از کنش گفتاری ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است. نشان‌دهنده خواست و تمایلات گوینده است و گاه صریح و گاه تلویحی رخ می‌دهد (Searle, 1979, p. 15).

کنش التزامی یا تعهدی^۳: هدف و نکته اصلی در این کنش گفتار آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را (با درجات متفاوت) برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند (Searle, 1979, p. 15). هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌هایی است که شامل عمل آتی گوینده می‌شود.

کنش ابرازی یا عاطفی^۴: کنش عاطفی شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (Yule, 1996, p. 53).

کنش اعلامی یا اعلانی^۵: کنش گفتار اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خود تغییرات جدید را ایجاد می‌نماید. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد (عابدینی، ۱۳۹۹، صص. ۵۳-۵۲).

-
1. Assertives acts
 2. Directives acts
 3. Commissives acts
 4. Expressive acts
 5. Declaratives acts

جان سرل در نظریه کنش‌های گفتاری خود، طبقه‌بندی نقش بیانی (نقطه اراده گذاری بیانی)^۱ را بر پایه سه بعد اصلی بنا کرد: هدف نقش بیانی، جهت انطباق جهان با زبان^۲ و شرط صداقت^۳. در نظریه کنش گفتار سرل هر عبارت در سه سطح عملیاتی مطرح می‌شود. کنش بیانی، کنش غیربیانی، کنش پس‌بیانی. منتقدان استدلال می‌کنند که این ابعاد محدود، نمی‌توانند تنوع پیچیده نقش‌های بیانی را به‌طور سیستماتیک پوشش دهند، زیرا بسیاری از کنش‌ها ویژگی‌های ترکیبی یا متضادی دارند که در این چهارچوب جای نمی‌گیرند. همچنین نظریه سرل بر نیت‌های گوینده تکیه دارد که در برخی موارد تحلیل و طبقه‌بندی را گمراه کننده می‌سازد. علاوه‌براین، طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل بر اساس اولویت دادن به بُعد «نقش بیانی» (مانند سؤال کردن یا امر کردن) شکل گرفته‌اند. باین‌حال، ابهام در انطباق جهان با زبان (مانند اینکه جهان با کلمات تطبیق کند یا برعکس) و شرط صداقت (مانند باور یا تمایل گوینده) باعث می‌شود نقش‌هایی مانند «تهدید» یا «تمسخر» در مرزها قرار گیرند و طبقه‌بندی دقیق ناممکن شود (Holdcroft, 1994; Lepore & van Gulick, 1991). برای پوشش دادن ضعف اول از تحلیل گفتمان لا کلاو و موف و برای رفع ضعف دوم از گروه کانونی خبرگان^۴ استفاده خواهد شد. اضافه بر موارد دوگانه فوق، در اینجا بافت و بستری که سخنرانی در آن انجام شده است برای خواننده تشریح می‌گردد تا ضعف نظریه سرل (تکیه بر افعال در تحلیل) مرتفع گردد.

۳. روش پژوهش

برای تحلیل کنش گفتارهای امام خمینی از روش ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده شد. واحد تحلیل پاره گفتار^۵ قرار گرفت. علت انتخاب پاره گفتار وجود شبه جملات متعدد در سخنرانی امام خمینی بود که به‌تنهایی دارای معنا بودند و یک عبارت دستوری با

1. Illocutionary point
2. Direction of fit
3. Sincerity condition
4. Single Focused Group
5. Utterances

کارکرد پرسش، امر و ابراز عاطفه را شکل می‌دادند. مرز بین دو پاره گفتار با وقفه‌های شنیداری، نشانه‌های گفتاری مانند کلام پایان یافته و علائم تکرار یا وقفه مشخص گردید. آنچه در این بخش ملاک قرار گرفت این بود که مرزهای معنایی با توجه به بافت کارکردی / معنایی سخنرانی مشخص شود. بر این اساس در جایی که پرسش‌های انکاری یا تکرار در متن وجود داشت اگر بافت جمله تغییر نمی‌کرد به‌عنوان یک واحد در شمارش لحاظ شد. بر این اساس؛ ابتدا نوع کنش گفتارها (اظهاری، عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی) مشخص شد و سپس برای تأیید روایی این کنش گفتارها، جداول مربوطه در قالب پرسشنامه در اختیار گروه کانونی خبرگان قرار گرفت. برای این منظور با روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس شناخت و مطالعات قبلی، ۸ نفر از خبرگان دانشگاهی و متخصص در حوزه علوم انسانی (علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و زبان‌شناسی) انتخاب شدند. جلسه‌ای به شکل گروه کانونی واحد با حضور خبرگان شکل گرفت و گزاره‌ها در قالب پرسشنامه‌ای ساختاریافته در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها سؤال شد که آیا ماهیت گزاره‌ها (اظهاری، ترغیبی، عاطفی و اعلامی) درست فهم شده‌اند؟ یا خیر؟ به گفته ورشورن طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری به‌هیچ‌وجه انحصاری نیستند به‌گونه‌ای که یک پاره گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (Verschuieren, 2003, p.24). به همین خاطر نتایج گروه خبرگان با یکدیگر مقایسه گردید. پس از بررسی نتایج مشخص گردید برخی گزاره‌ها دارای دو کنش گفتاری هستند. این گزاره‌ها یک‌به‌یک، مورد بحث و بررسی قرار گرفتند تا نوع کنش غالب در آن‌ها مشخص شوند. به‌عنوان مثال، جمله «اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن؛ چرا بیخود، بدون فکر، این حرف‌ها را می‌زنی؟» درعین حال که جمله‌ای عاطفی و از سر دلسوزی است؛ ترغیب به فکر کردن قبل از صحبت را نیز یادآور می‌شود. در این جمله وجه ترغیبی بر عاطفی غلبه دارد به همین خاطر کنش گفتار ترغیبی در نظر گرفته شد. یا جمله «آقا! اغفال دارند می‌کنند تو را!» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۴۵) درعین حال که وجه ترغیبی دارد وجه عاطفی آن قوی‌تر است و نوعی احساس دلسوزی و نصیحت‌گونه را منتقل می‌کند. پس از تعیین نوع کنش‌های کلامی سرانجام، تمام داده‌ها جمع‌بندی و نتایج در یک گزارش منسجم تلفیق گردید.

جدول شماره ۱: نحوه تعیین جملات از نظر کنش گفتاری بر حسب افعال

اظهاری	بیان کردن، گفتن، تأیید کردن، بودن، شنیدن، صبر کردن، اعلان کردن، انتظار داشتن، باز کردن، اظهار کردن، معرفی کردن، محدود کردن، مطمئن بودن، گزارش دادن، اعطا کردن، دسته‌بندی کردن، واگذار کردن، نقد کردن، نفی کردن، نسبت دادن، ادعا کردن، شرح دادن، دلیل آوردن، دفاع کردن، رها کردن، اثبات کردن، توصیف کردن، تکذیب کردن، تفسیر کردن، تغییر فعالیت دادن، ابراز کردن، آغاز کردن یک عمل، پاسخ دادن، تصحیح کردن، تأیید کردن، بحث کردن
ترغیبی	اجازه دادن، التماس و تمنا کردن، تجویز کردن، اخطار دادن، سؤال کردن، شرط کردن، من می‌خواهم که درخواستِ اثبات کردن، اعلام نیاز کردن، تکرار کردن، خواستن، پند و اندرز دادن، توضیح خواستن، دوباره راه انداختن، گدایی کردن، هشدار دادن، تقاضا کردن، اصرار کردن، نصیحت کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، بی‌توجهی کردن، درخواست اطلاعات کردن، بایستن و لازم بودن، دعوت کردن، توصیه کردن، دستور دادن، بازخواست کردن، درخواست کردن، به مبارزه طلبیدن، توانستن
تعهدی	متعهد شدن، قول دادن، قسم خوردن، موافقت کردن، تضمین دادن، تعهد دادن، داوطلب شدن و تقدیم کردن
اعلانی	نام‌گذاری کردن، آغاز کردن، اعلام کردن، از کار برکنار کردن، به کار گماشتن، انتصاب کردن، عقد قرارداد کردن و پایان دادن کار، من اعلام می‌کنم که من انتصاب می‌کنم، من نام‌گذاری می‌کنم و...
عاطفی	عذرخواهی، تبریک و تعریف از طرف گوینده، بیان حالات درونی و احساسات خود، تشکر کردن، سلام کردن، آرزو کردن، معذرت خواستن، فرض داشتن، احترام گذاشتن، ناامید و دلسرد شدن، تأمل کردن، تعجب کردن، مسخره کردن، متضمن چیزی بودن، خشنود شدن، شوخی کردن، عصبانی شدن، تبریک گفتن، پیش‌بینی کردن، ناسپاسی کردن، فرضیه داشتن، تهدید کردن، خشمگین شدن، خوشحال شدن، تسلیم شدن، دشنام دادن، دست انداختن، شکایت کردن، تردید داشتن، ناسزا گفتن، متأسف شدن، اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، تمجید کردن

منبع: (مجاهد زاده و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۰)

۴. بافت و زمینه تاریخی سخرنانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲

کنش‌های گفتاری مجموعه‌ای از کلمات و واژگان هستند که در کنار همدیگر قرار می‌گیرند تا معنایی را به مخاطب برسانند. این کنش‌ها در یک بستر و بافت معین شکل می‌گیرند. قراردادهای زبانی و اجتماعی موجود میان کاربران نوع واژگان را مشخص می‌سازد. این واژگان به شدت تحت تأثیر بافت نیز قرار دارند؛ به عبارت دیگر، گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده با مجموعه دانی‌ها، باورها و پندارهای خود درباره: ۱. عناصر زمان، مکان و اجتماع، ۲. کنش‌های پیشینی، پسینی و در حال اجرا، ۳. آگاهی از نقش و جایگاه متکلم و مخاطب، ۴. آگاهی از موقعیت زمانی و مکانی مخاطب، نوع و هویت رسانه و... روی هم بافت را تشکیل می‌دهند (صانعی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۶۵).

سخرنانی ۱۳ خرداد امام به لحاظ مکانی در ایران و به لحاظ زمانی در مقطعی رخ داد که نظام سیاسی انتظار آن را نداشت. این سخرنانی در ایرانی رخ داد که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وارد فرایند تثبیت دیکتاتوری و مداخلات خارجی گردیده بود. اگرچه شاه تصور می‌نمود با ایجاد ساواک و سرکوب جریان‌های ملی‌گرا و فدائیان اسلام قادر به کنترل اوضاع کشور گردیده است اما روند حوادث دهه چهل نشان داد که این تفکر اشتباه بوده و جامعه فریب تشکیل احزاب صوری دولتی در نیمه دوم دهه سی را نخورده است. در واقع، اعتراضات مندرج در بیانات و پیام‌های امام خمینی بین تاریخ‌های ۱۶ مهر ۱۳۴۱ تا ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ نشان می‌دهد اعاده استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فکری، نظامی و حفظ و پاسداشت هویت دینی و مذهبی مهم‌ترین خواسته ایشان بوده است (کجوری گشنیانی و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۱۷-۱۲). علت نگرانی‌های امام خمینی و سایر کنشگران سیاسی رخدادهایی بود که در قالب انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اصلاحات ارضی و انقلاب سفید در فاصله سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ به وقوع پیوستند. از دید مخالفان شاه و در رأس آن امام خمینی منشأ این تحولات آمریکا و شخص جان. اف کندی بود که می‌کوشیدند با تحمیل اصلاحات و مهره‌های سیاسی خود به شاه، زمینه تحکیم نفوذ خود در ایران را فراهم سازند. به همین خاطر پس از برگزاری رفراندوم انقلاب سفید از سوی دولت، امام خمینی در ۲۹ اسفند ۱۳۴۱ اعلام عزای عمومی کرد:

در این سال استعمار توطئه‌هایی را علیه اسلام تدارك دید، عمال پلید استعمار به قرآن جسارت کردند، برای پایمال کردن احکام نورانی قرآن نقشه‌ها کشیدند، برنامه‌ها ریختند، طرح‌ها دادند. اگر مسلمین بدانند که چه توطئه‌ها و نقشه‌هایی علیه عزت اسلام، سعادت ملت‌های مسلمان و استقلال ممالک اسلامی در دست اقدام است، دیگر هیچ وقت عید نمی‌گیرند بلکه قیام می‌کنند به وظایف دینی که بر عهده دارند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۱۵۸-۱۵۷).

سخنان امام و انباشته شدن نارضایتی مردم و نیروهای سیاسی و مذهبی به دلیل اقدامات دولت، منجر به رویداد مدرسه فیضیه در ۲ فروردین ۱۳۴۲ و صدور اعلامیه‌های بعدی امام خمینی همچون اعلامیه‌های معروف «سکوت، همراهی با دستگاه جبار است» در واکنش به حمله به مدرسه فیضیه در ۲ فروردین و اعلامیه «شاه‌دوستی» یعنی غارتگری (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۷۸) در ۱۳ فروردین گردید. سرانجام امام به مناسبت دهم محرم و عاشورای حسینی سخنرانی تاریخی خود را در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ایراد کرد. این سخنرانی بازداشت و انتقال ایشان به زندان قصر تهران را به همراه آورد. اقدامی که شاه تصور نمی‌کرد موج اعتراض گسترده در تهران، مشهد، قم، شیراز با شعار «یا مرگ یا خمینی» را رقم زند. پاسخ دولت اسدالله علم به اعتراضات مردمی، سرکوب سیاسی و کاریست خشونت بود (عاقلی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۱۵۶). این سرکوب اگرچه به‌ظاهر آتش قیام را خاموش کرد، اما در باطن زمینه انقلاب ۵۷ را فراهم کرد.

۵. انواع کنش‌های گفتاری امام خمینی

کنش گفتارها به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم قابل تقسیم هستند. مقصود از کنش گفتارهای مستقیم آن دسته از کنش گفتارهایی هستند که رابطه‌ای مستقیم بین ساختار نحوی معنایی و کارکرد و نقش یک پاره گفتار وجود داشته باشد؛ مانند این جمله در سخنرانی امام: «این قدر با ملت بازی نکن! این قدر با روحانیت مخالفت نکن» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵) در این کنش -گفتار که با جمله امری انجام شده است گوینده مرز بین رفتار درست و نادرست را برای شاه ترسیم می‌نماید و خیلی صریح و قاطع نیاز به توقف رفتار را به او یادآور می‌شود. در کنش گفتارهای غیرمستقیم گوینده از واژگان و جملاتی استفاده می‌کند که

علاوه بر محتوای ظاهری از محتوای دیگری نیز برخوردار است. این دسته از جملات تا حد زیادی متأثر از آداب سخنرانی و صنایع بلاغی - ادبی است (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۵، ص. ۴۳). نویسنده با استفاده از این صنایع و قدرت استدلال می‌کوشد تا پیام خود را به مخاطب منتقل کند. به‌عنوان مثال، امام با بیان اینکه «بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند، نمی‌خواستند شجره طیبه باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۳) صرفاً گزارش یک واقعیت تاریخی نمی‌دهد، بلکه از آن برای محکومیت سیاسی حکومت وقت استفاده می‌کند. یا وقتی اعلام می‌کند: «اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۳). هدف، ارائه یک گزاره اطلاعاتی خنثی نیست، بلکه متهم کردن اسرائیل به نقشه‌ای برای عقب نگه داشتن ایران است؛ به عبارت دیگر، امام از هر دو دسته کنش‌های گفتاری در کلام خود بهره گرفته تا قدرت تأثیرگذاری بر مخاطب خود را بیشتر سازد. خلاصه‌ای از محورهای بحث امام خمینی و کنش‌های گفتاری غالب در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۲: محورهای اصلی سخنرانی امام خمینی و نوع کنش‌های گفتاری

ردیف	نوع کنش			
	اظهاری	ترغیبی	تعهدی	عاطفی
۱	مخالفت بنی امیه با بنی هاشم (بیان واقعیت تاریخی)	نصیحت به شاه برای دست برداشتن از کارها	قضاوت ملت درباره مفتخور بودن یا نبودن روحانیت	ابراز تأثر زیاد از وضع ایران
۲	توصیف رفتار وحشیانه در روز عاشورا و نقش شاه در حمله به فیضیه	درخواست از شاه برای عبرت گرفتن و تفکر کردن	معرفی آمر حمله به فیضیه و برخورد با او	گریه شدید حضار هنگام بیان «ما حیوان نجس هستیم!»

ردیف	نوع کنش			
	اظهاری	ترغیبی	تعهدی	عاطفی
۳	توضیح اهداف اسرائیل علیه ایران و اسلام	هشدار به شاه که با ملت بازی نکند و به روحانیت احترام بگذارد.		ابراز ناراحتی و تأسف از وضعیت کشور
۴	نقد رأی رفتاردوم و رفتار با مدرسه فیضیه	دعوت به توقف اغفال ملت و جلوگیری از نشر اکاذیب		ابراز خستگی از وضع کشور و دولت
۵	نفوذ بهایی‌ها در شاه	توصیه به شاه برای توجه به اوضاع کشور		بیان ترس و تأثر از آینده سیاسی ایران

منبع: (متن سخنرانی امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲)

۵-۱. کنش‌های اظهاری

به‌طور کلی اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این‌ها که گوینده در آن، جهان خارج را آن‌گونه که باور دارد به تصویر می‌کشد، دارای کنش اظهاری است (Yule, 1996, p.53). همان‌گونه که در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است افعال کنش اظهاری شامل تأیید کردن، دلیل آوردن، معرفی کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن، تغییر فعالیت دادن، بخشیدن، نفی کردن، اعتراض کردن، نقد کردن، محدود کردن، رها نمودن، ابراز کردن، ادعا کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصریح کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، گفتن، گزارش دادن و... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص. ۶۸). براین اساس، مهم‌ترین کنش‌های گفتاری امام خمینی در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳: کنش گفتارهای اظهاری امام خمینی

ردیف	جملات
۱	الان عصر عاشورا است.
۲	گاهی که وقایع روز عاشورا را از نظر می گذرانم، این سؤال برایم پیش می آید.
۳	بچه خردسال چه تقصیر داشت؟
۴	زن ها چه تقصیر داشتند؟
۵	نظرم این است آن ها با اساس سر و کار داشتند.
۶	این ها نمی خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد.
۷	بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند.
۸	نمی خواستند شجره طیبه باشد.
۹	اگر بنی امیه و دستگاه یزید بن معاویه، تنها با حسین سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زن های بی پناه و اطفال بیگناه مرتکب شدند؟
۱۰	این ها با بچه های شانزده، هفده ساله ما چه کار داشتند؟
۱۱	سید شانزده، هفده ساله به شاه چه کرده بود؟
۱۲	همین فکر (مخالفت با اسلام) در ایران وجود داشت.
۱۳	اسرائیل نمی خواهد در این مملکت دانشمند باشد.
۱۴	اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد.
۱۵	اسرائیل نمی خواهد در این مملکت علمای دین باشند.
۱۶	اسرائیل نمی خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد.
۱۷	اسرائیل به دعوت عمال سیاه خود، مدرسه (فیضیه قم و طالبیه تبریز) را کویید.
۱۸	آن رفاندومی که چند هزار نفر بیشتر همراه نداشت، آن رفاندومی که برخلاف ملت ایران انجام گرفت.

ردیف	جملات
۱۹	ما را می‌کویند.
۲۰	شما ملت را می‌کویند.
۲۱	می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند.
۲۲	می‌خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد.
۲۳	می‌خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروت‌ها را تصاحب کند به دست عمال خود.
۲۴	این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکنند.
۲۵	قرآن سد راه است، باید شکسته شود.
۲۶	روحانیت سد راه است، باید شکسته شود.
۲۷	مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود.
۲۸	طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند.
۲۹	باید سر و دست آن‌ها شکسته شود.
۳۰	آن رفراندوم غلط انجام گرفت، آن رفراندوم مفتضح انجام گرفت.
۳۱	مرحوم آقای بروجردی‌مان، وقتی که از دنیا می‌رود ششصد هزار تومان قرض می‌گذارد.
۳۲	مدرسه فیضیه را خراب کنید؛ شاه گفته این‌ها را بکشید.
۳۳	آن مرد که آمد در مدرسه فیضیه - حالا اسمش را نمی‌برم...
۳۴	آمد در مدرسه فیضیه فرمان داد، سوت کشید؛ تمام مستقر شدند در یک گوشه‌ای. گفت: منتظر چه هستید، بریزید تمام حجره‌ها را غارت کنید.
۳۵	از ایشان پرسی آقا چرا این کار را کردید؟ می‌گوید: اعلیحضرت فرموده!
۳۶	در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهایی‌ها مراجعه کنید؛ در آنجا می‌نویسد: تساوی حقوق زن و مرد، رأی عبدالبهاء است.

ردیف	جملات
۳۷	تعلیم اجباری عمومی نظامی کردن زن، رأی عبدالبهاء است.
۳۸	مملکت ایران را قبضه کردند؛ اموال مردم در معرض تلف بود، نوامیس مردم در معرض هتک بود.
۳۹	سازمان امنیت محدودیت‌هایی برای اهل منبر اعلام کرده است.
۴۰	شاه به منافع اسرائیل وابسته است.
۴۱	این‌ها صلاح ملت را می‌خواهند؛ این‌ها صلاح مملکت را می‌خواهند!
۴۲	سازمان امنیت گفته: شاه را کار نداشته باشید، اسرائیل را کار نداشته باشید.
۴۳	در کوچه‌های این قم... راه انداختند اشخاص را؛ چند نفر از بچه‌ها و اراذل را راه انداختند؛ در اتومبیل‌ها نشانند و در کوچه‌ها گردانند.
۴۴	[شعار دادند] مفت‌خوری تمام شد. پلوخوری تمام شد.
۴۵	آن‌ها که بانک‌های دنیا را پر کرده‌اند، کاخ‌های عظیم را روی هم ساخته‌اند... این‌ها مفتخور نیستند؟
۴۶	این اشخاصی که لُبّاب عمرشان را در این حُجرات می‌گذرانند... بیش از سی، چهل الی صد تومان در ماه ندارند، این‌ها مفتخورند؟
۴۷	آن اشخاصی که هزار میلیون‌شان، هزار میلیون‌شان یک قلم است... این‌ها مفتخور، زیاد نیستند؟
۴۸	مایی که مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم مان وقتی که فوت می‌شود، آقازاده‌های آن [مرحوم] همان شب چیز نداشتند.
۴۹	مایی که مرحوم آقای بروجردی مان، وقتی که از دنیا می‌رود ششصد هزار تومان قرض می‌گذارد [مفت‌خوریم!]
۵۰	من یک قصه‌ای را برای شما نقل می‌کنم که پیر مردهایتان، چهل ساله‌هایتان یادشان است، سی ساله‌ها هم یادشان است.
۵۱	سه دسته، سه مملکت اجنبی به ما حمله کرد: شوروی، انگلستان، آمریکا... لکن خدا می‌داند که مردم شاد بودند برای اینکه پهلوی رفت.

ردیف	جملات
۵۲	امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند...
۵۳	به هر که مراجعه می‌کنی، می‌گوید: شاه گفته؛ شاه گفته مدرسه فیضیه را خراب کنید؛ شاه گفته این‌ها را بکشید.
۵۴	آقایان از او تبعیت می‌کنند. آقای شاه هم نفهمیده می‌رود بالای آنجا، می‌گوید: تساوی حقوق زن و مرد.
۵۵	ما مرتجع هستیم؟ احکام اسلام، ارتجاع است؟... تو انقلاب سیاه، انقلاب سفید درست کردی؟! کدام انقلاب سفید را کردی آقا؟ چرا این قدر مردم را اغفال می‌کنید؟
۵۶	چرا نشر اکاذیب می‌کنید؟ چرا اغفال می‌کنی ملت را؟
۵۷	تقویمش موجود است، ببینید!
۵۸	من شنیده‌ام که سازمان امنیت در نظر دارد شاه را از نظر مردم بیندازد.
۵۹	مملکت ما، دین ما، در معرض خطر است.
۶۰	رابط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید: از اسرائیل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید؛ این دو تا تناسبشان چیست؟
۶۱	ایشان می‌گویند: مسلمانم؛... به حسب ظواهر شرع.
۶۲	این ممکن است سری در کار باشد. ممکن است آن معنایی که می‌گویند که سازمان‌ها می‌خواهند آن را از بین ببرند، شاید راست باشد.
۶۳	ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست (شاه، اسرائیل، دین در خطر است) تمام گرفتاری ما.
۶۴	این‌ها دشمن اعلیحضرتند. اسرائیل دوست اعلیحضرت است؟
۶۵	اسرائیل مملکت را به باد می‌برد، اسرائیل سلطنت را می‌برد، [با کمک] عمال اسرائیل.
۶۶	

بخش عمده کنش‌های گفتاری امام در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ را کنش گفتارهای اظهاری تشکیل داده است. این نوع کنش گفتار در کلام رهبران سیاسی که قصد روشنگری برای مخاطبین خود دارند بسیار پرتکرار است (باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۲، ص. ۶۵). دلایل استفاده از کنش‌های اظهاری از سوی امام افشای حقایق پشت پرده اقدام شاه برای اجرای انقلاب سفید است. سکوت حاکم بر جامعه و بی‌اعتنایی شاه به اعتراضات پیشین علما مبنی بر مخالفت با رفراندوم و کنار گذاشتن اصلاحات تحمیلی از سوی آمریکا (کجوری گشنیانی، ۱۴۰۲، صص. ۷-۳۴). از دیگر دلایل ایراد این سخنرانی بودند. امام با کنش‌های اظهاری واقعیت‌ها را برای مستمعین خود تحلیل کرده و مخاطب را به ارزیابی دعوت می‌کند. در فضای تهدید رژیم (ممنوعیت سخنرانی سیاسی)، این کنش‌ها جایگزین اعلامیه‌های مستقیم شدند و با ارجاع به حادثه عاشورا، احساس وظیفه انقلابی را در مخاطبان تقویت کردند. هدف نهایی، بسیج روحانیت و مردم علیه رژیم بود. امام خمینی با تشبیه حادثه فیضیه قم با حادثه عاشورا مشروعیت دستگاه سیاسی حاکم را زیر سؤال برد: «بچه خردسال چه تقصیر داشت؟ زن‌ها چه تقصیر داشتند؟ ... همین فکر در ایران [وجود] داشت. این‌ها با بچه‌های شانزده، هفده‌ساله ما چه کار داشتند؟ سید شانزده، هفده‌ساله به شاه چه کرده بود؟ به دولت چه کرده بود؟ به دستگاه‌های سفاک چه کرده بود؟» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۳). امام مشکل اصلی شاه را نه کودکان و جوانان بلکه اسلام معرفی می‌کند. «این‌ها نمی‌خواهند که اساس موجود باشد؛ این‌ها نمی‌خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۳). این تحلیل از آنجا که با حوادث سیاسی مهرماه سال ۴۱ در خصوص انجمن‌های ایالتی و ولایتی هم‌زمانی داشت از سوی مخاطب به‌خوبی فهم و پذیرفته می‌شد. در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی سوگند به قرآن برای پذیرفته‌شدگان در انتخابات حذف گردید و شرط اسلام برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان کنار گذاشته شده بود. معنای این کار در نظر مردم مخالفت با اسلام بود.

کنش‌های اظهاری مانند «بنی‌امیه با بنی‌هاشم مخالفت داشتند» یا «اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد»، گزاره‌های قابل ارزیابی واقعیت را بیان می‌کردند. این کنش‌ها برای گزارش وقایع (حمله به فیضیه، رفراندوم) و تحلیل «وابستگی شاه به اسرائیل» به کار

رفتند و هدفشان ایجاد باور جمعی نسبت به تهدید اسلام بود. به همین خاطر با عبارت‌هایی همچون «مدرسه علمیه سد راه است، باید خراب بشود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۴). و «طلاب علوم دینی ممکن است سد راه بشوند، باید از پشت‌بام بیفتند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۴) تکمیل شدند تا اثرگذاری بیشتری داشته باشد. ایشان با به‌کارگیری این جملات، در واقع می‌کوشید نقش سنتی مرجعیت دینی را در قالب یک «ناصح‌امین» و «پدر دلسوز» بازتعریف کند. وقتی می‌گوید: «من به شما نصیحت می‌کنم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵)، تنها یک توصیه ساده نیست، بلکه پایه‌ریزی یک رابطه اخلاقی است که در آن هم‌گوینده و هم‌مخاطب متعهد به پیامدهای اخلاقی این رابطه می‌شوند. وقتی اظهار می‌دارد «والله، اسرائیل به درد تو نمی‌خورد، قرآن به درد تو می‌خورد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۶) بازگشت به اسلام و مذهب و حفظ پاسداشت مقام روحانیت را به شاه گوشزد می‌کند.

جمله «من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵) نشان از بینش عمیق سیاسی - اجتماعی ایشان دارد. این تنها یک پیش‌بینی نیست، بلکه هشدار است مبتنی بر درکی ژرف از روانشناسی اجتماعی که می‌کوشد مخاطب را نسبت به عواقب رفتارش آگاه کند و در او نوعی خودآگاهی تاریخی ایجاد نماید. در فراز «بشنو از من؛ بشنو از روحانین؛ بشنو از علمای مذهب» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۶)، ما شاهد ایجاد زنجیره‌ای از اعتماد هستیم که از شخص امام شروع شده و به نهاد مرجعیت دینی گسترش می‌یابد. این تکرارها نشان عزم راسخ ایشان برای ایجاد اتحاد و همبستگی حول محور نهاد دین دارد. تأکید ایشان بر اینکه «این‌ها صلاح ملت را می‌خواهند؛ این‌ها صلاح مملکت را می‌خواهند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۶)، در حقیقت می‌کوشد مشروعیتی دوگانه ایجاد کند: هم نهاد روحانیت را به عنوان مدافع منافع ملی معرفی کند و هم مخاطب را به مشارکت در این مسئولیت اخلاقی فراخواند.

۵-۲. کنش‌های تعهدی

کنش گفتارهای تعهدی کنش گفتارهایی هستند که در آن گوینده خود را نسبت به انجام عمل معینی در حال یا زمان آینده متعهد می‌سازد. این کنش گفتارها همان‌طور که در جدول شماره ۱ آمده است با افعالی همچون متعهد شدن، قول دادن، قسم خوردن، موافقت کردن، تضمین دادن، تعهد دادن، داوطلب شدن و تقدیم کردن توأم هستند. در متن سخنرانی امام دو کنش گفتاری تعهدی به صورت مستقیم شناسایی شد. در اولی امام متعهد می‌شود تا روزی آمر حادثه مدرسه فیضیه را معرفی و مجازات نماید و در دومی ملت را به قضاوت فرامی‌خواند. جمله نخست از باب اینکه می‌توانست هشدار برای نیروهای انتظامی-امنیتی برای توجه به رفتارهای خود با معترضان باشند بسیار حائز اهمیت است. جدا شدن بخشی از بدنه ارتش از دولت و پیوستن آن به انقلابیون را از پیامدهای این کنش می‌توان در نظر گرفت.

جدول شماره ۵: کنش گفتارهای تعهدی امام خمینی

ردیف	جملات
۱	آن وقت که دستور دادم گوش‌هایش را ببرند، آن وقت اسمش را می‌برم.
۲	باید دنیا قضاوت کند، باید ملت قضاوت کند که مفتخور کیست؟

منبع: (متن سخنرانی امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲)

۵-۳. کنش‌های اعلانی

کنش‌های اعلانی به معنای قصد واقعی گوینده در زمان گفتن است و نه تنها معنای لغوی جمله گفتاری؛ به عبارت دیگر، با بیان جمله یا پس از ایراد آن وضعیت جدیدی رخ می‌دهد و در بیرون اتفاقی می‌افتد. همان‌گونه که در جدول شماره ۱ آورده شده است این گفتارها با فعل‌هایی همچون نام‌گذاری کردن، آغاز کردن، اعلام کردن، از کار برکنار کردن، به کار گماشتن، انتصاب کردن، عقد قرارداد کردن و پایان دادن کار، من اعلام می‌کنم که من انتصاب می‌کنم، من نام‌گذاری می‌کنم و... همراه می‌شوند. متن سخنرانی امام فاقد کنش‌های اعلانی واقعی است که تغییر رسمی و حقوقی در وضعیت قبلی ایجاد کند.

۴-۵. کنش‌های عاطفی

کنش عاطفی شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (Yule, 1996, p. 53). افعالی که بیانگر این کنش هستند عبارتند از اظهار تأسف کردن، هجو کردن، سلام دادن، تحسین کردن، سرزنش کردن، تبریک گفتن، سپاسگزاری کردن، عذرخواهی کردن، تعجب کردن، تشکر کردن، شکایت کردن، خشمگین شدن، خشمگین کردن، تمجید کردن، خشنود کردن، دشنام دادن، اهانت کردن، ناسپاسی کردن، ناامید شدن. سخنرانی امام صرفاً یک سخنرانی رسمی نبود بلکه متنی عاطفی-احساسی نیز بود که از سوی پدری مهربان به فرزندش صورت می‌گرفت. لذا در چندین نوبت موجب گریه حضار گردید و آنان را بشدت متأثر ساخت (ر.ک. به: جدول شماره ۴). بیاناتی چون «خدا کند که مرادت این نباشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵) و «من نمی‌خواهم تو این‌طور باشی» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵) نشان از این رویکرد پدران و دلسوزانه داشت که در فرهنگ ایرانی-اسلامی عمیقاً ریشه‌دار است. جمله کنایه‌آمیز و توأم با پرسش «ما مفتخور هستیم! مایی که مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم‌مان وقتی که فوت می‌شود، آقا زاده‌های آن [مرحوم] همان شب چیز نداشتند، همان شب شام نداشتند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۴) علاوه بر اینکه دوگانه فقر و غنا را در جامعه در ذهن مخاطب بازسازی کرد نشان داد روحانیت همانند مردم عادی زیست می‌کند و همانند آنان ممکن است حتی با وجود مراتب علمی و فقهی بالا، با فقر و بدهی دنیا را ترک کند. در جمله فوق و جمله «ما مفتخوریم؟ مایی که مرحوم آقای بروجردی‌مان، وقتی که از دنیا می‌رود ششصد هزار تومان قرض می‌گذارد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۲۴۴-۲۴۵). پیام عاطفی قوی نهفته است که سه هدف اصلی را دنبال می‌کند: نخست، ایجاد همدلی و همدات‌پنداری عاطفی با توده‌های مردم که از طریق بیان احساساتی مانند تأسف، بیان می‌شود. دوم، مشروعیت‌زدایی از حکومت پهلوی با نشان دادن تضاد بین ارزش‌های اسلامی و عملکرد حکومت و سوم، بسیج توده‌ها از راه برانگیختن احساسات مذهبی و میهنی.

جدول شماره ۴: کنش گفتارهای عاطفی امام خمینی

ردیف	جملات
۱	آقا! من به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه!
۲	آقا! اغفال دارند می‌کنند تو را.
۳	من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند.
۴	من میل ندارم تو این‌طور بشوی، نکن!
۵	ما حیوان نجس هستیم؟ [گریه شدید حضار]
۶	خدا کند که مرادت این نباشد.
۷	بیچاره!
۸	بدبخت!
۹	تأثرات ما زیاد است؛ نه اینکه امروز عاشوراست و زیاد است، آن هم باید باشد.
۱۰	تأثرمان زیاد است.
۱۱	می‌ترسیم.
۱۲	ما متأسفیم.
۱۳	خیلی متأسفیم از وضع ایران، از وضع این مملکت خراب.
۱۴	از همه این‌ها متأسفیم.
۱۵	آقا، یک حقایق در کار است، من باز سرم دارد درد می‌گیرد.
۱۶	من خسته شدم.
۱۷	ما مفتخوریم؟
۱۸	انقلاب سفید به پا کردی؟

منبع: (متن سخنرانی امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲)

در تحلیل کنش‌های عاطفی امام خمینی، باید گفت این بیانات دارای ابعاد استراتژیک و تأثیرات عمیق اجتماعی-سیاسی بودند. این گزاره‌های عاطفی با بیان عباراتی مانند «ما حیوان نجس هستیم؟» (همراه با گریه شدید حضار) (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵)، نوعی همبستگی عاطفی بین رهبری و مردم ایجاد می‌کرد که در سنت شیعی با مفهوم «اشتراک در رنج» پیوند می‌خورد. از سوی دیگر، ابراز احساساتی مانند «من خسته شدم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۸) و «تأثرمان زیاد است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۷) نشان‌دهنده صداقت و انسانیت امام بود که در تقابل با تصویر خشک و سلسله‌مراتبی روحانیت سنتی قرار می‌گرفت. این جملات کاربرد هنرمندانه صنایع بلاغی همچون استفهام انکاری برای هم تحقیر کردن شاه، هم اعتراض شدید به او و درخواست تفکر بود. همچنین استفاده از ضمیر اول شخص جمع و تکرار ضمیر «ما» در عباراتی مانند «ما حیوان نجس هستیم؟» و «ما متأسفیم» باعث ایجاد همذات‌پنداری و اتحاد بین گوینده و مخاطب می‌شود. این کاربرد بلاغی، فاصله مرجع و مقلد را از بین برده و همه را در یک سرنوشت مشترک سهیم می‌کند. عبارت «من خسته شدم» صنعت ایجاز و اختصار پرمعنا را در ادبیات یادآور می‌شود. صنعتی که تأثیر جملات عاطفی را چندین برابر می‌کند و نشان می‌دهد گوینده از نصیحت کردن‌های مکرر خسته شده است. از اینکه گامی برای توقف ظلم و شکل‌گیری مقاومت صورت نمی‌گیرد ناراضی است. عبارات عاطفی امام گاه جنبه شرطی و هشداردهنده به خود می‌گیرد «خدا کند که مرادت این نباشد». عبارتی که هم دعاست، هم هشدار و هم ابراز نگرانی. این گونه جملات ترکیباتی کم‌نظیر در بلاغت فارسی هستند که اثرگذاری بالایی برجای می‌گذارند. به همین خاطر این جملات عموماً فضایی بشدت عاطفی خلق می‌کنند. فضایی که وقتی با جملاتی همچون «من نمی‌خواهم تو این‌طور باشی؛ نکن!» همراه می‌شود باعث ماندگاری و تأثیرگذاری شگرف می‌گردد.

۵-۵. کنش‌های ترغیبی

به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد (Yule, 1996, p.56). نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها و درخواست‌ها مشاهده کرد. افعال کنش

ترغیبی شامل: خواستن، توانستن، بایستن و لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه انداختن، اصرار و پافشاری کردن، اخطار دادن، اعلام نیاز کردن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص. ۶۸). در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ امام سهم کنش‌های گفتاری ترغیبی قابل توجه است. امام در این دسته کنش‌ها مخاطب خود را دو گروه قرار می‌دهد: نخست شخص شاه و دیگری خواص جامعه.

جدول شماره ۵: کنش گفتارهای ترغیبی امام خمینی

ردیف	جملات
۱	من به شما نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها.
۲	این قدر با ملت بازی نکن!
۳	بشنو نصیحت مرا.
۴	آقا! ۴۵ سالت است شما؛ ۴۳ سال داری، بس کن!
۵	نشنو حرف این و آن را.
۶	یک قدری تفکر کن!
۷	یک قدری تأمل کن!
۸	یک قدری عواقب امور را ملاحظه بکن!
۹	اگر دیکته می‌دهند دست و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن!
۱۰	چرا بیخود، بدون فکر، این حرف‌ها را می‌زنی؟
۱۱	عبرت ببر!

ردیف	جملات
۱۲	عبرت از پدرت ببر!
۱۳	نکن این کار را!
۱۴	بشنو از من!
۱۵	بشنو از روحانین!
۱۶	بشنو از علمای مذهب!
۱۷	نصیحت مرا بشنو!
۱۹	آقای یک کاری بکنید این طور نباشد!
۲۰	یک علاجی بکن، اگر احتمال می‌دهی.
۲۱	یک‌جوری این مطالب را برسانید به این آقا؛ شاید بیدار بشود.
۲۲	آقای شیرازی بیاید دعا کند.

منبع: (متن سخنرانی امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲)

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ آمده است؛ کنش گفتارهای ترغیبی امام بر اساس ساختار زبانی امری مستقیم و غیرمستقیم با درجه شدید تا ملایم را شامل می‌گردد. ایشان با به‌کارگیری فعل‌های امری مانند «بس کن»، «نصیحت مرا بشنو»، «نکن این کار را» و «عبرت ببر!» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵)، در مقام مرجعیتی عمل می‌کنند که هم دغدغه هدایت معنوی دارد و هم مسئولیت راهبری سیاسی را برعهده گرفته است. این بیانات درعین حال در سطح زبانی از لایه عمیق‌تری نیز برخوردار است و آن واداشتن طرف مقابل به تفکر و تأمل کردن که نشان‌دهنده نوعی رفتار «پدرانه دلسوزانه» است. جملاتی همچون «یک‌قدری تفکر کن!» و «یک‌قدری عواقب امور را ملاحظه بکن!» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۶) در زمره این جملات قرار دارند.

در این بخش امام با استفاده از صنعت بلاغی تکرار فعل «بشنو» در ترکیب‌های مختلف (بشنو نصیحت مرا، بشنو از روحانین، بشنو از علمای مذهب) به دنبال تأکید بیشتر و اثرگذاری بالاتر کلام بر مخاطب است. اشاره ایشان به روحانیت و مذهب در این جملات بر ایجاد شبکه‌ای از مرجعیت مشروع تأکید دارد. این تأکید، در واقع بازتعریف مرجعیت در شرایط بحرانی است که در آن روحانیت به عنوان تنها منبع قابل اعتماد معرفی می‌شود. امام می‌کوشد تا از سرمایه معنوی و نمادین مذهب بهره برده و اعتماد تاریخی مردم به نهاد روحانیت را به شاه یادآور شود.

همچنین جمله «عبرت ببر! عبرت از پدرت ببر» با استفاده از همین صنعت تکرار و ارجاع تاریخی، هم هشدار می‌دهد و هم با ایجاد پیوند بین سرنوشت محمدرضا پهلوی و پدرش، نوعی «تاریخ‌نگاری عبرت‌آموز» ارائه می‌دهد. در جملاتی همچون «همه چیز را گردن تو دارند می‌گذارند. بیچاره! نمی‌دانی آن روزی که یک‌صدایی در آمد، یک نفر از این‌هایی که با تو رفیق هستند، رفاقت ندارند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۷). امام مسئولیت مستقیم آنچه در ایران اتفاق افتاده است را متوجه شاه می‌داند و آینده تنهایی او را پیش‌بینی می‌کند.

مخاطب دوم این کنش گفتارها خواص جامعه است. امام از این گروه می‌خواهد تا «یک‌جوری این مطالب را برسانید به این آقا؛ شاید بیدار بشود، شاید روشن بشود یک‌قدری. اطرافش را گرفته‌اند، شاید نگذارند این حرف‌ها به او برسد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۸). احساس امام این است که ممکن است گاه عده‌ای مانع انتقال صحیح اطلاعات شوند به همین خاطر می‌گوید: «والله، من شنیده‌ام که سازمان امنیت در نظر دارد شاه را از نظر مردم بیندازد تا بیرونش کنند و لهذا مطالب را معلوم نیست به او برسانند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۷). در مجموع، این کنش‌های ترغیبی در راستای ایجاد تغییر گفتمان از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب طراحی شده‌اند. این بیانات نه تنها خطاب به حکومت، بلکه خطاب به توده مردم نیز هست تا با ایجاد حس مسئولیت جمعی، زمینه‌ساز بسیج عمومی شوند.

۶. تحلیل کمی کنش‌های گفتاری

بیشترین بسامد کنش‌های گفتاری در کلام امام مربوط به کنش‌های اظهاری با ۱۱/۶۱ درصد است. پس از آن، به ترتیب کنش‌های ترغیبی با ۳۷/۲۰ درصد، کنش‌های عاطفی

با ۶۶/۱۶ درصد و کنش‌های تعهدی با ۱/۸۵ درصد در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. همچنین با توجه به عدم شناسایی کنش‌های اعلانی در این سخنرانی، سهم این نوع کنش گفتاری صفر درصد در نظر گرفته شده است.

جدول فراوانی کنش گفتارهای امام خمینی

ردیف	اظهاری	ترغیبی	عاطفی	تعهدی	اعلانی	جمع کل
تعداد	۶۶	۲۲	۱۸	۲	۰	۱۰۸
درصد	۶۱/۱۱	۲۰/۳۷	۱۶/۶۶	۱/۸۵	۰	۹۹/۹۹

۷. گفتمان‌سازی امام خمینی

نظریه لاکلاو و موف، گفتمان را به‌عنوان مفصل‌بندی هژمونیک عناصر پراکنده (دال‌ها) تعریف می‌کند که از طریق زنجیره هم‌ارزی و منطق تضاد با «غیر» یا دشمن هویت می‌یابند (ر.ک. به: لاکلاو و دیگران، ۱۳۹۵). متن سخنرانی امام در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ دارای گفتمانی چندلایه است که در راستای بازسازی گفتمان سیاسی-اجتماعی آن دوران قابل تحلیل است. دال مرکزی این گفتمان اسلام و روحانیت و دال‌های شناور آن ملت، عاشورا و قرآن از یکسو و شاه، اسرائیل، بهایی، انقلاب سفید و مفت‌خوری از سوی دیگر است. زنجیره هم‌ارزی این گفتمان با واژه روحانیت در کنار مفاهیمی همچون صلاح ملت، شجره طیبه و ضد مفت‌خوری ساخته می‌شود. زنجیره‌ای که پیوند آن‌ها با یکدیگر هویت جمعی شیعی-انقلابی را می‌سازد.

این گفتمان بر پایه منطق تضاد و عناصر منفی (غیر) همچون «اسرائیل، شاه، بنی‌امیه، بهایی‌ها» به‌عنوان «عمال سیاه» و «سفاکان» ساخته شده است. رژیم پهلوی مساوی با یزید و مفت‌خور مفصل‌بندی شده که با قبضه اقتصاد و حمله به فیضیه در برابر ملت، فقرا و مرجعیت قرار گرفته است. لحظه هژمونیک و میدان گفتمانی امام با نصیحت («بشنو از من») و افشاگری (رفراندوم و قرض بروجردی)، تلاش برای هژمونی دارد.

گفتمان‌سازی تاریخی - سیاسی امام با مرجع قرار دادن واقعه عاشورا، از تاریخ و نمادهای دینی استفاده می‌کند تا نقدهای سیاسی خود را در قالبی قابل فهم و باورپذیر برای مخاطبان عرضه کند. استفاده از جمله «بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند.» و تصویر مقابله حق و باطل اساس گفتمانی اوست که رژیم پهلوی را در جایگاه یزید و دستگاه ظلم معرفی می‌کند. این رویکرد تاریخی - نمادین منجر به بازتعریف دشمنی‌ها و مشروعیت‌بخشی مقاومت می‌شود. تنازع بر سر «قرآن» و «روحانیت» در سخنرانی، نمایانگر گفتمان دفاع از اسلام و هویت ملی در برابر نیروهای خارجی و داخلی است که تهدیدکننده نظام دینی و سیاسی معرفی می‌شوند.

امام با به کارگیری گفتمان ضد صهیونیستی، اسرائیل را به‌عنوان دشمن اصلی ترسیم می‌کنند که مانع پیشرفت علمی و دینی ایران است. گفتمان امام در پی ایجاد «غیریت» و تقویت هویت اسلامی - ایرانی در تقابل با دشمن خارجی است. در این گفتمان حوادثی مانند حمله به مدرسه فیضیه و طالبیه تبریز به نمادهایی از ستیز حکومت با نهادهای دینی تبدیل شده‌اند. این روایت‌پردازی در جهت افشای خشونت پنهان حکومت و تقدس‌زدایی از ساختار قدرت است. اشاره به همه‌پرسی و شعار «چند هزار نفر بیشتر همراه نداشت» در جهت بی‌اعتبارسازی مشروعیت حکومت و نمایان ساختن شکاف بین دولت - ملت عمل می‌کند. در مقابل، اشاره به قرض بروجردی در پی ساختن الگوی آرمانی از روحانیت به‌عنوان قشری پارسا و مردمی است.

ایشان با نسبت دادن طرح تساوی حقوق زن و مرد به بهائیت، در پی حاشیه‌رانی گفتمان فمینیستی و معرفی آن به‌عنوان اندیشه‌ای غیربومی و غیر اسلامی هستند. این رویکرد در جهت حفظ هنجارهای سنتی و مقاومت در برابر مدرنیزاسیون مصنوعی است. بیاناتی مانند «مملکت ایران را قبضه کردند» و «نوامیس مردم در معرض هتک بود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۴۵) در پی ایجاد احساس اضطراری و خطر قریب‌الوقوع هستند. این بحران‌آفرینی گفتمانی، زمینه لازم برای بسیج توده‌ها و مشروعیت‌بخشی به مقاومت را فراهم می‌سازد. در نهایت، گفتمان امام خمینی در پی ایجاد «انقلاب معرفتی» است؛ روایتی که در آن مفاهیمی چون مشروعیت، استقلال، هویت و ارزش‌ها بازتعریف می‌شوند و مبانی نظری لازم برای گذار از نظم موجود به نظم مطلوب فراهم می‌آید.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان دادند که امام خمینی در کنش گفتارهای خود تنوع کنش کلامی را رعایت نموده و به‌جز کنش تعهدی از سایر کنش‌های گفتاری بهره گرفته‌اند. انتخاب این کنش‌های زبانی برحسب شرایط زمانی و مکانی و نوع مخاطب صورت گرفته است. امام با توجه به حوادث رخ داده در کشور در طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ محور مباحث خود را دخالت‌های آمریکا و اسرائیل در امور ایران و دشمنی آن‌ها با مذهب و روحانیت انتخاب کرده و برنامه‌های شاه در خصوص انقلاب سفید و برگزاری رفراندوم را زیر سؤال برده‌اند. بررسی کنش گفتارهای ایشان نشان می‌دهد بیشترین فراوانی با ۶۱/۱۱ درصد به کنش اظهارهای تعلق دارد. پس از آن کنش گفتاری ترغیبی با ۲۰/۳۷ درصد در رتبه دوم و کنش گفتاری عاطفی با ۱۶/۶۶ درصد در رتبه سوم و کنش گفتاری تعهدی با ۱/۸۵ درصد در رتبه چهارم جای گرفته‌اند. بیشترین کنش گفتاری استفاده شده، کنش اظهاری است و هیچ کنش اعلانی در متن شناسایی نشد. علت انتخاب کنش گفتار اظهاری از سوی امام، ماهیت این نوع کنش کلامی برای تشریح و تبیین ابعاد مختلف رویدادها، روشنگری و هدایت جامعه است. این کنش گفتاری و افعال موجود در آن بالاترین قدرت امکان تحلیل را به گوینده می‌دهد و ذهن مخاطب را آماده پذیرش واقعیت می‌سازد. استفاده از زبان کنایی و نمادین، استعاره، کنایه و قیاس رژیم پهلوی با بنی‌امیه و دستگاه یزید که در ادبیات اسلامی نماد ظلم و انحراف است برجسته‌ترین بخش کلام امام در فراز اول سخنرانی است. این نمادسازی، مخاطب را به همدلی با حق‌طلبی و مبارزه علیه ظلم فرامی‌خواند و فضا را معنوی و تاریخی می‌کند. استفاده از قیاس بین «مفتخور» و «سادگی روحانیون» و تضاد میان «حق و باطل»، «ظلم و عدالت» در سخنرانی موجب شفاف‌تر شدن پیام و تحریک واکنش مخاطب پس از رویداد شده است (قیام ۱۵ خرداد).

پس از کنش اظهاری، کنش ترغیبی بیشترین بسامد را در کلام امام داشته است. علت انتخاب این کنش تشویق نمودن شاه به اتخاذ تصمیماتی برای اصلاح اشتباهات گذشته خود و پیشگیری از حوادث تلخ در آینده بوده است. در این کنش گفتاری هر دو گونه کنش مستقیم امری مثبت و منفی استفاده شده است. امام کوشید تا در عین حفظ احترام و پرهیز از خشونت کلامی، مخاطب خود را شخص شاه قرار داده و او را به اصلاح امور تشویق

نمایند. در این کنش‌ها کاربرد صنعت ادبی تکرار برای تأکید بیشتر و اقناع در عباراتی مثل «بشنو از من؛ بشنو از روحانیین؛ بشنو از علمای مذهب»، قدرت بلاغی سخنرانی را افزایش داده و شنونده را به تمرکز بر پیام دعوت کرده است. خطاب مستقیم مخاطب در عباراتی همچون «آقا! من به تو نصیحت می‌کنم»، استفاده از سؤالات انکاری و ایجاد رابطه دوطرفه با مخاطب، استفاده از ضمیرهای سوم شخص و واژه «شما» و «من» رابطه فردی و نزدیک‌گوشنده با شنونده را ایجاد کرده و باعث افزایش تأثیر پیام گردیده است.

کنش‌های گفتاری عاطفی به‌عنوان سومین کنش پرتکرار از زوایای دلسوزانه و مشفقانه مطرح شده‌اند. گو اینکه پدری مهربان و ناصحی امین فرزندش را نصیحت می‌کند تا دست از خطاهای خود بکشد. ترکیب استدلال‌های منطقی تاریخی و سیاسی با احساسات عمیق (ابراز تأسف، هشدار، تهدید) زمینه‌ساز پذیرش بیشتر را در شنونده فراهم ساخته و او را به ابراز احساسات (گریه و ناراحتی) واداشته است. این رویکرد تلفیقی باعث می‌شود که هم احساسات مخاطب تحریک گردد و هم درجه اقناع منطقی در او بالاتر رود.

در کلام امام تنها به دو کنش تعهدی اکتفا شده است. در این دو کنش نیز از یکسو امام تعهد می‌کند که روزی آمر حمله به فیضیه را معرفی و او را به سزای اعمالش برساند که نوعی هشدار به مسئولین انتظامی-امنیتی برای در نظر گرفتن عواقب تصمیماتشان است و دیگری تعهد ضمنی در خصوص قضاوت ملت درباره اینکه درباریان مفت‌خور هستند یا روحانیت ساده زیست! در متن هیچ کنش اعلامی وجود ندارد؛ زیرا هنوز تغییری ایجاد نشده و هر تغییری مستلزم بیداری و آگاهی جامعه و دست زدن آن‌ها به کنش است. کنشی که دو روز بعد با قیام ۱۵ خرداد رقم می‌خورد و جرقه انقلاب اسلامی را می‌زند. به‌طور کلی می‌توان گفت روند حوادث پس از قیام ۱۵ خرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نشان‌دهنده این است که امام با به‌کارگیری ترکیبی صحیح از کنش‌های گفتاری اظهاری، ترغیبی و عاطفی توانست وظیفه هدایت و رهبری نهضت اسلامی را به‌خوبی ایفا نماید و کلام ایشان دارای کارکرد و تأثیرگذاری معنایی و بیرونی گردیده است.

منابع

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۴۰۴). تحلیل کنش‌های گفتاری آیت‌الله خامنه‌ای پس از عملیات طوفان الاقصی بر اساس نظریه جان سرل. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۷(۳)، ۶۵-۹۴. <https://doi.org/10.48308/piaj.2025.238772.1650>
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی. مطالعات راهبردی، ۱۳(۴۹)، ۲۹-۵۴. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1389.13.49.2.3>
- توبه‌یانی، ابراهیم، طباطبایی لطفی، سید عبدالمجید و رضایی، روح‌الله (۱۳۹۸). تحلیل کنش‌های کلامی وصیت‌نامه امام خمینی بر اساس مدل سرل و آستین. علوم سیاسی، ۲۲(۸۶)، ۵۲-۷۸. https://psq.bou.ac.ir/article_67720.html
- خلجی، عباس (۱۳۸۱). جریان شناسی سیاسی قیام ۱۵ خرداد. کتاب نقد، ۲۲(۱)، ۸۹-۱۰۸. <https://15khordad42.ir/?page=post&id=1317>
- دست‌آموز، سعیده و محمدی، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفتگو از منظر زبان روسی. جستارهای زبانی، ۷(۱)، ۳۹-۵۷. https://lrr.modares.ac.ir/article_6469.html
- زرقانی، سید مهدی و اخلاقی، الهام (۱۳۹۱). تحلیل ژانر سطح بر اساس نظریه کنش گفتار. ادبیات عرفانی، ۴(۶)، ۶۱-۸۰. <https://doi.org/10.22051/jml.2013.86>
- سرل، جان راجرز (۱۳۸۵). افعال گفتاری. ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صانعی پور، محمدحسن (۱۳۹۰). مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم. تهران: دانشگاه امام صادق.
- صفوی، کورش (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- عابدینی، جواد (۱۳۹۹). سرل و علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰). روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: گفتار.

- عبداللهی، محمد (۱۳۸۴). نظریه افعال گفتاری. پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۶(۴)، ۹۱-۱۱۹. <https://doi.org/10.22091/pfk.2005.323>
- کجوری گشنیانی، یونس، باقری دولت‌آبادی، علی، فتاحی زاده، ابوذری و نیکفر، جاسب (۱۴۰۲). روحانیت و کنشگری آن در مبارزات انقلاب اسلامی: تحلیل محتوای مکاتبات امام خمینی (۱۳۴۰-۱۳۵۰). راهبرد سیاسی، ۷(۱)، ۳۴-۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25884565.1402.7.1.1.0>
- لاکلائو ارنستو و دیگران (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سیاسی (امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی). ترجمه امیررضایی پناه و سمیه شوکتی مقرب، تهران: تیسرا.
- مجاهدزاده، محمد، شریعتی، مجتبی، باقری دولت‌آبادی، علی و رضایی، رضا (۱۴۰۲). کنش‌های گفتاری امام خمینی در خصوص مسئله فلسطین. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۲۳)، ۱-۱۷. <https://doi.org/10.22070/iws.2024.19007.2365>
- محمدی، رضا و غفرانی، علی (۱۴۰۱). تحلیل کنش‌های گفتاری استنادات قرآنی امام خمینی بر اساس نظریه جان سرل با تأکید بر بیانات سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷. سیاست متعالیه، ۱۰(۳۸)، ۱۵۱-۱۷۰. <http://noo.rs/YYBWR>
- محمدی، رضا و غفرانی، علی (۱۴۰۲). تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی مقام معظم رهبری (با تأکید بر آیات جنگ و جهاد). تاریخ‌نامه انقلاب، ۷(۲)، ۱۱۳-۱۳۸. <https://doi.org/10.22034/te.2024.189772>
- Holdcroft, D. (1978). *Words and Deeds: Problems in the Theory of Speech Acts*. Oxford: Clarendon Press.
- Lepore, E. and van Gulick, R. (1991). *John Searle and his Critics*. Oxford: Blackwell.
- Searle, J. R. (1979). *Expresstion and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*. Cambridge: Cambridge University press.
- Verschueren, J. (2003). *Understanding Pragmatics*. Arnold: London.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.